

انتشار ترجمه «مفاهیم اساسی فلسفه هنر»

کتاب «مفاهیم اساسی فلسفه هنر» راهی بازار نشر شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، کتاب «مفاهیم اساسی فلسفه هنر» نوشته تایگر روهولت به تازگی با ترجمه سهند سلطاندوست توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این کتاب سال ۲۰۱۳ منتشر شده است.

تایگر روهولت نویسنده کتاب پیشرو خلاصه‌ای از مفاهیم محوری فلسفه هنر را ارائه کرده است. این کار هم با یک فصل مقدماتی که زمینه‌ساز بحث و پیشینه مطالب است، شروع می‌شود. در فصول بعد نیز نویسنده تعارف مفصل اصطلاحات و مفاهیم اساسی را در کنار مقدمه‌ای بر کار متفکران فلسفه هنر و خلاصه متون مهم این حوزه ارائه می‌کند. این کتاب برای پاسخگویی به نیازهای دانشجویان رشته‌های هنر نوشته شده است.

مترجم کتاب هم می‌گوید این اثر می‌تواند حکم درسنامه داشته باشد. یعنی کتاب درسی دانشجویان رشته‌های هنر یا درآمدی برای آشنایی نوآموزان با فلسفه هنر شود. خواننده‌ای هم که از پیش مطلقاً مطالعه و اطلاعی درباره فلسفه هنر نداشته باشد، می‌تواند با این کتاب ساده شروع کند.

کتاب پیشرو ۴ فصل اصلی دارد که به ترتیب عبارت‌اند از «اصطلاحات مهم»، «متفکران مهم»، «متون مهم» و «هنرها».

فصل اول این عناوین را شامل می‌شود: زیبایی‌شناسی، تجربه زیباشناختی، حکم زیباشناختی، ویژگی‌های زیباشناختی، زیبایی، کاتارسیس [نفس‌پالایی]، سانسور، هنر مفهومی، خلاقیت، تعریف هنر، بی‌علاقگی، احساس، اخلاق، بیانگری، نقد فمینیستی، صورت‌گرایی، تفسیر، مارکسیسم، استعاره، طبیعت، هستی‌شناسی، پدیدارشناسی، سیاست، هنر عامه‌پسند، بازنمایی، امر والا، ارزش هنر.

در فصل دوم هم که «متفکران مهم» نام دارد، مخاطب با این عناوین روبروست: آدورنو، ارسطو، بارت، بیردلی، یل، بنیامین، بورديو، کالینگوود، دانتو، دیویی، دیکی، گودمن، هگل، هایدگر، هیوم، کانت، نیچه، افلاطون، شوپنهاور، سیبلی، والتون، ولهایم.

«ارسطو، بوطیقا»، «کلیو بل، هنر»، «آر.جی. کالینگوود، اصول هنر»، «جان دیویی، هنر به منزله تجربه»، «هگل، درس‌گفتارهایی در باب هنر زیبا»، «مارتین هایدگر، سرآغاز کار هنری»، «دیوید هیوم، در باب معیار ذوق»، «ایمانوئل کانت، نقد قوه حکم» و «افلاطون، جمهوری» هم عناوین سومین فصل کتاب «مفاهیم اساسی فلسفه هنر» هستند.

چهارمین فصل کتاب هم دربرگیرنده این عناوین است: معماری، رقص، فیلم، ادبیات، موسیقی، عکاسی، تراژدی، هنر تجسمی.

پس از فصول کتاب، هم «راهنمایی برای مطالعه بیشتر» و «نمایه» آمده‌اند.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

یک قطعه موسیقایی یا ادبی چه جور موجودیتی است؟ ریچارد ولهایم (و دیگران)، با الهام از کار چارلز سناندرز پیرس پراگماتیست، آثار چنگانه را به مثابه الگو، و مصادیق آن‌ها (اجرا یا روگرفت) را به عنوان نشانه‌های الگو تعبیر کرده‌اند. پرسشی را در نظر بگیرید که کمی پیش‌تر، در بحث از گودمن، مطرح کردیم: چه چیز نشانه‌ای را به نشانه اثری مفروض مبدل می‌سازد؟ به موسیقی بیندیشید. چه چیز اجرایی را به اجرای [سمفونی] پنج بتهوون بدل می‌کند؟ یک پاسخ رایج آن است که این اجرا ساختار موسیقایی بخصوصی دارد که در قالب قطعه نت‌نویسی شده پنجم ارائه می‌شود. (کمی پیش‌تر دیدیم که خوانش گودمن از این تطابق سختگیرانه است.) پس، وقتی می‌پرسیم: قطعه موسیقایی الگویی از ساختار انتزاعی یا سرمشقی از اصوات است. یک مثال ساده از ساختار انتزاعی شکل مربع است؛ به همان تعداد که می‌توان مربع رسم کرد، مصادیق متعددی از یک اثر موسیقی مفروض قابل اجراست. به طریق مشابه، شاید هر عکس یک ساختار بصری بخصوص، و هر اثر ادبی یک ساختار زبانی خاص باشد. دو معضل اساسی هستی‌شناسی ساختاری عبارت‌اند از یک، متضمن آن است که آثار هنری همان‌قدر مخلوق‌اند که عدد هفت؛ یعنی آن‌ها صرفاً کشف یا انتخاب می‌شوند. این خلاف شهود جلوه می‌کند. و دو، از این منظر، آثار هنری را نمی‌توان نابود کرد. هستی‌شناسی‌ای که ما را ملزم به پذیرش این موضع می‌کند که آثار هنری خلق نمی‌شوند، با درک پیشانظری ما از هنر بسیار ناهمخوان جلوه می‌کند (جرولد لوینسون در مقاله‌اش با عنوان «اثر موسیقایی چیست» (۱۹۸۰) بر این نکته تأکید کرده است). شایان یادآوری است که نگاه گودمن، که ریشه در نام‌گرایی او دارد، از این دیدگاه‌ها فاصله می‌گیرد. نام‌گرا معتقد است که اشیای انتزاعی هستی ندارند؛ پس، از نظر گودمن، اثر موسیقایی (مثلاً) ساختاری انتزاعی نیست (در عین حال آن قطعه نت‌نویسی‌شده هم نیست)؛ بلکه اثر موسیقایی مجموعه‌ای از اجراهاست که با قطعه نت‌نویسی‌شده تطابق دارند.

این کتاب با ۲۶۲ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۹۵ هزار تومان منتشر شده است.